

نامگذاری سکه

منابع نامگذاری

سکه در ادوار مختلف از منابع مختلف کسب نام کرده است. این منابع مختلف را میتوان بشرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- نام سکه از وزنهایی که داشته‌اند گرفته شده،
 - ۲- نام شاهانی که بضرب سکه اقدام کرده‌اند بر سکه‌های آنها گذارده شده و این روش بیش از سایر روشها معمول بوده و تا به امروز نیز معمول و متداول است،
 - ۳- سکه بنام خدایانی که صورت آنها بر سکه نقش شده یا بنام شهرهایی که در آنجا شده و یا بافتخار وقایع تاریخی که بیاد بود آنها تهیه شده ناهیده شده است.
- نخستین نامگذاری:

بطوری که در فصل «پیدایش سکه» گفتیم، نخستین باری که سکه بمفهوم کنونی ضرب شد در سده هفتم پیش از میلاد در کشور ایدی بود. البته پیش از اختراع سکه، مبادله کالا با پارهای از زر و سیم معمول بوده، ولی چون این «پاره فلزها» وزن معین و عیار مشخصی نداشت مورد اعتماد و قبول عامه نبود. پس برای جلب اعتماد همگانی بود که بضرب سکه با علامت مشخص مبادرت شد، یعنی علامتی بر پاره فلزی میکشیدند

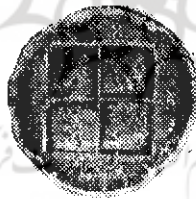
که این علامت معرف وزن و عیار آن بود و مورد قبول همگانی قرار میگرفت و در هنگام مبادله نیازی نداشتند که مجدداً آنرا وزن کنند زیرا وزن آن پاره فلز یا سکه با این علامت مشخص و معلوم میشد (هر چند که این علامت در ابتدای امر مبهم و نامعلوم بود) به همین مناسبت در آغاز



که به تریب سکه ایدی که در حدود سال ۶۵۲-۶۸۵ پیش از میلاد ضرب شده و از الکترون (مخلوط زر و سیم) است و علامت واضح و روشنی ندارد.

کار نام وزن سکه را بر خود سکه میگذارند و بهمین جهت بود که سکه‌های نخستین بنام «استاتر» و «درخم» شناخته شد.
«استاتر» یا سیر :

استاتر واژه سامی است که در اصل «ایشتار» بوده و نام الاهی زندگی و ستاره زهره است که مورد پرستش سومریان و اکدی‌بان بوده و پرستش این الاهی از سومرواکد بآشور و بابل رسید و از آنجا بفلسطین و سوریه و فینیقیه سرایت کرد.
واژه استاتر بعداً بمفهوم وزنی در آمد که سایر کشورها آنرا اقتباس کردند، همچنانکه بسیاری از علوم و اختراعات دیگر بابلیان از قبیل ستاره‌شناسی و گاه‌شناسی (تقسیم سال بمه ماه و ماه بمفته و هفته بروز و روز بساعت و ساعت بدقیقه ..) و ریاضیات از بابل بجهان متمدن هدیه شد. همین واژه «استاتر» است که در زبان فارسی بنام «سیر» در آمده و تا با امروز در ایران مصطلح و متداول است.



چون بعداً سکه‌هایی بوزن استاتر در یونان زده شد و رواج یافت این سکه‌ها بنام استاتر خوانده شد، بنابراین «استاتر» یونانی و «استیتر» فیلیپ مقدونی و «استتر» داریک داریوش (که توکیدیدس

سکه اکاتتوس که در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد در مقدونیه ضرب شده

تاریخنویس معروف یونانی متولد سال ۴۶۴ پیش از میلاد بدان اشاره میکند) و «ستیر» زمان ساسانیان که چهار درهم ارزش داشته و «استار» عربی (که جمع آن اساتیر است) و «سیر» فارسی از همین واژه سامی نژاد «ایشتار» گرفته شده است. بی‌مناسبت نیست در اینجا اشاره کنیم که نام «استر» دختر عم مرد خای یهودی که بعقد خشایار شاه در آمد و ملکه ایران گشت و فتنه عظیمی برپا ساخت از ریشه همین واژه است.

«من» یا من

همچنانکه «سیر» از واژه ایشتار سامی گرفته شده واژه «من» نیز که امروزه در

ایران مصطلح است و سه کیلو وزن دارد از واژه «منا»ی اکدی اقتباس شده که در عبری «مانه» و در یونانی «منا» و در لاتین «مین» و در هندی قدیم «منا» و در فارسی «من» شده است.

«درخم» یا درهم :

درخم واژه یونانی است که معنی لغوی آن : «يك چنك پر» یا «يك مشت پر» است. این نام بر سکه یونانی اطلاق شده. همین درخم است که در فارسی بشکل «درم» و در عربی بشکل «درهم» در آمده و این واژه هنوز در کشورهای عربی معمول و متداول است، کما اینکه هم اکنون درهم يك گونه سکه رایج در عراق است. در زمان ساسانیان سکه سیم را «درهم» می گفتند. (۱)

درخم در یونان واحد پولی شد که وزن آن $\frac{4}{35}$ گرم بوده و تقسیمات آن از این قرار است : ابول (نیم درخم)، نیم ابول (یک ربع درخم)، دی درخم (دو درخم)، ترا درخم (چهار درخم)، اوکتا درخم (هشت درخم)، دکا درخم (ده درخم)

«دیناریوس» یا دینار :

دیناریوس نیز نام سکه یونانی است که چون اسکندر مقدونی ایران را بگشود و ایران را زیر تمدن یونان در آورد این واژه را نیز مانند سایر مظاهر تمدن یونانی بر ایرانی تحمیل کرد. این واژه که یادگار آن عصر منحوس است هنوز گریبانگیر ما است با این اختلاف که امروز بشکل «دینار» در آمده و پول رایج رسمی کشور شاهنشاهی ایران گشته و طرفداران این واژه بگمان اینکه این واژه سره فارسی است افتخار میکنند که آنرا در ایران مصطلح وزنده نگاه میدارند.

این واژه نیز مانند واژه درهم پس از غلبه اعراب بر ایران از ایران بکشورهای عربی سرایت کرد و از صدر اسلام تا با امروز سکه زر را دینار مینامند، همچنانکه سکه سیم را نیز درهم میگویند. هم اکنون بسکه های سیم و زر رایج عراق درهم و دینار گفته میشود.

۱- گویند در سال شانزده هجری که سیفون بایثغت ساسانیان بدست اعراب افتاد و شهر قاروت شد بهر يك از شصت هزار سربازان عرب دوازده هزار درهم رسید.



وزنه ایست بنام داریوش بوزن ۱۲۰ کرشه که در تخت جمشید پیدا شده و
در موزه تهران نگهداری میشود نقل از هر مزدنامه

کرشه :

کرشه واژه سره فارسی است که در زمان هخامنشیان واحد وزن بوده و بعداً بشرحی که در بالا گفتیم چون سکه هائی بدین وزن ضرب شد آنها را کرشه نامیدند بدین معنی که کرشه در زمان هخامنشیان هم نام سکه وهم يك گونه وزن بوده است. (۱)
 « چندین کرشه Karsha یا وزنه از روزگار هخامنشیان بیادگار مانده ، یکی از آنها اینك در موزه ایران باستان در تهران نگهداری میشود . این وزنه از يك پاره سنك سخت ، تیره سبز رنگ تراشیده شده و صیقل گردیده و بر روی آن بسه زبان پارسی باستان و بابلی و عیلامی بخط میخی کنده گری شده و یادگاری است از زمان خود داریوش ، کسی که نخستین بار پول سکه زد . این وزنه صدویست کرشه است . در سال ۱۳۱۶ هجری خورشیدی در هنگام خاکبرداری یکی از سراچه های طرف جنوبی گنجینه تخت جمشید پیدا شده است . این نبشته ای که در آن بزبان پارسی باستان کنده گری شده این است : « صدویست کرشه - منم داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه دیها (= کشورها) ، شاه این (مرزو) بوهها ، پسر ویشتاسب (= گشتاسب)

هخامنشی » ۱

دانك یا دانه :

این واژه نیز فارسی سره است که در روزگار هخامنشیان نخست نام يك گونه وزن بوده و بعداً این نام را بر سکه گذاردند . این يك واژه اصیل آریایی است که در سانسکریت « دهننا » و در اوستا « دانا » و در پهلوی زندانكز و در فارسی « دانه » و در عربی « دانق » شده و جمع آن در عربی « دوانیق » آمده است .

ابوجعفر المنصور دومین خلیفه عباسی که به « ابودوانیق » ملقب شده چون خسیس و پولپرست و « دانك » دوست بود بدین لقب ملقب شد .

« شقل » یا شکل یا سیگلس :

شقل واژه سامی است و معنی لغوی آن « سنجیدن » است و مانند « ایشثار » در ابتدا

نام وزنی بود که در کشورهای سامی متداول بود بعداً این نام را بر سکه‌ای گذاردند که يك شقل وزن داشت.

واژه شقل در کلیه زبانهای سامی از قبیل سوهری و اکدی و آسوری و بابلی و آرامی و سریانی متداول بوده و در توراة نیز یادی از آن شده است. این واژه نیز مانند واژه‌های دیگر سامی بفارسی باستانی سرایت کرده و بشکل «شکل» Shakel در آمد. نام سکه نقره داریوش شکل بوده، همچنانکه سکه زر داریوش را در يك می‌گفتند. همین واژه در زبان یونانی «سیکلس» شده است.

۴- نام شاهان بر سکه‌ها :

سکه کروسوس :

نخستین شاهی که سکه بنام وی نامیده شد کروسوس بود. کروسوس از سال ۵۶۳ تا ۵۴۸ پیش از میلاد بر کشور لیدی فرمانروائی داشت و مقتدرترین و متمولترین پادشاه عصر خود بشمار میرفت تا جائی که برخی او را بجای قارون گرفته اند. در زمان کروسوس بود که سلون دانشمند و قانونگذار نامی یونان بسارد پایتخت لیدی آمد و مورد خشم کروسوس قرار گرفت و چندی زندانی شد زیرا کروسوس از او پرسیده بود که بعقیده وی داناترین و نیرومندترین و خوشبخت‌ترین شخص آن عصر کیست و انتظار داشت که نام او را ببرد ولی چون سلون دیگران را نام برد و ذکری از او نکرد پس علت را پرسید سلون پاسخ داد که نمیتواند او را خوشبخت‌ترین مرد روزگار خود بداند زیرا هنوز عاقبت و پایان کار و سر نوشت او را ندیده است تا بتواند چنین فضاوتی را درباره او بکند کروسوس از این جسارت او در خشم شد و فرمان داد او را بزندان افکند. ولی دیری نگذشت که همین پادشاه مغرور و متبکر مغلوب کورس کبیر شد و هنگامیکه آلات مجازات او را فراهم می‌آورد ندید که سلون افتاد و با او از بلند فریاد کشیده سلون، سلون از کورس علت را پرسید و چون بر از پیشگویی آن دانشمند یونانی پی برد بر کروسوس رحمت آورد و همین امر موجب رهائی وی گشت.

سکه‌های کروسوس از زر ناب و سیم ناب است. بیش از وی سکه را از الکترون

که مخلوطی از زروسیم است ضرب میزدند و گویا کروسوس نخستین شاهمی باشد که سکه‌ها را از زر ناب ضرب زد. سکه‌های کروسوس دارای نقش شیر و گاو است: شیر را علامت قدرت و گاو را علامت برکت گرفته است.

دریك داریوش :

نخستین پادشاهی که در ایران بضرب سکه مبادرت ورزید داریوش بزرگ است. کورس کبیر چون بر گنج شایگان کروسوس دست یافت و سکه‌های فراوان زروسیم او را بایران منتقل ساخت نیازی بضرب سکه نداشت. پس داریوش بزرگ بود که در صدد برآمد برای نخستین بار سکه‌های ایرانی را رایج سازد. از این حیث ایران دومین کشوری است در جهان متمدن که بضرب سکه همت گمارد (نخستین کشور لیدی بود).

داریوش برای مزید اعتبار مالی ایران توجه بلیغی مبذول میفرمود که سکه‌های



سکه داریوش بزرگ

ایران مرغوبترین سکه‌های جهان متمدن باشد پس سکه‌های زر داریوش که دریك نامیده میشد از لحاظ جنس پاکتر و خالصتر و از حیث وزن سنگین‌ترین سکه‌های دیگر کشورها بود. سکه‌شناسان گمان دارند داریوش نخستین بار سکه‌های خود را در ضرابخانه سارد (پایتخت لیدی) ضرب زده باشد زیرا تا آن زمان فن سکه زنی در ایران معمول

نیوده بلکه متخصصین سکه زنی و آلات سکه زنی منحصر بلیدی بوده ولی بعداً داریوش وسایل این کار را در ایران فراهم ساخت و سکه‌های خود را در ایران ضرب میزد.

هر چند برخی از سکه‌شناسان گمان می‌کنند که «دریك» از واژه «زر» گرفته شده ولی ظن قوی می‌رود که این واژه از نام خود داریوش اقتباس شده باشد که سکه‌ها برای نخستین بار در ایران زد و سکه‌های ایرانی را رایج ساخت.

سکه‌های دریك داریوش دارای نقش يك سر باز ایرانی است که زانوی راست را خم کرده و زانوی چپ را بر زمین نهاده و در دست راست تیرو در دست چپ کمان را گرفته

و بحال «آماده باش» در دفاع از حیثیت و شرافت و اعتبار و اعتلای نام ایران عزیز است.

نام سایر شاهان بر سکه‌ها :

نام بسیاری از شاهان از عهد کهن تا زمان جلال بر سکه‌ها آمده که ذکر آنها موجب اطاله کلام می‌شود. برای رعایت اختصار بذکر نام چند تن از آنها که در قرنهای اخیر در ایران سلطنت کرده و سکه‌های آنها بنام آنها نامیده شده اکتفا می‌کنیم :

عباسی (شاه عباس)، خدابنده، اشرفی، محمدزی، محمودی، نادری، کریم‌خان، شاه‌ی قرانی...

۳- نام خدایان و شهرها و وقایع تاریخی بر سکه :

الاهة اتن :

اتن نام یکی از خدایان بزرگ یونان است. اتن الاله هنر و جنگ است و بهمین مناسبت همیشه نقش اتن در لباس جنگی و با کلاه خود دیده می‌شود. شهر اتن که از قدیم الایام پایتخت یونان بوده با افتخار این خدا بدین اسم نامیده شده است. مردم یونان نخست جانوران را پرستش می‌کردند و در آن روزگار جفدهم یکی از خدایان مقدس آنها بوده، ولی بعداً که خدایان خود را بشکل انسان در آوردند که خدای اتن یکی از آنها شد چون بعقیده آنها جفدهمورد علاقه خدای اتن بود پس شکل جفدهم را هم طرف دیگر سکه اتن نقش کردند



سکه اتن ۴۰۰ پیش از میلاد

نام برخی از شهرها و وقایع تاریخی که در ایران بر سکه گذارده شد از این قرار است : سکه لاری، سکه حویزه، تومانی، روپی، بیستی، هزاری، پهناباد، بودویله...